

جستاری در شناخت و واکاوی مقام متبرکه حاجی باریکاب

مسلم میرزاوند^۱

سجاد حسن پوش^۲

وجیهه مرداسی^۳

چکیده :

بقاع متبرکه بعد از مساجد بیشترین تعداد بناهای مذهبی کشور را به خود اختصاص داده است. بسیاری از این بقاع منسوب به امامزادگانی هستند که در اثر فشار و ستم حکومت های اموی و عباسی در بلاد مختلف پراکنده شده و در این سرزمین ها به شهادت رسیده یا دارفانی را وداع می گفتند. برخی دیگر از این بقاع متعلق به بزرگان صوفیه و یا صرفا کسانی هستند که از دید اطرافیان خود انسان های والایی بوده اند. در این زمره مقام متبرکه حاجی باریکاب است که تاکنون مورد بررسی علمی و مستقل واقع نشده است. در این پژوهش با تکیه بر منابع مکتوب و گزارش های شفاهی و میدانی به تبیین موقعیت جغرافیای طبیعی و ساختار معماری مقبره و کارکردهای اجتماعی و مذهبی صاحب بقعه حاجی باریکاب در منطقه پرداخته شده است. این مطالعه با پی گرفتن روش بررسی میدانی و توصیف و تحلیل به این نتیجه رسید که حاجی باریکاب با هر هویت اعم از امامزاده، شیخ، عارف یا حتی حاجی صالحی که باشد، همچون هر بقعه دیگری در تهذیب اخلاق و گسترش معنویت در میان مردم تاثیر گذار بوده و تهذیبی که از منظر مردم منطقه در میان طایفه شیخ ها وجود دارد شاهدهی بر این مدعاست.

کلید واژه : مقام حاجی باریکاب، امامزاده، بقعه، شیخ، خلیل اکبر

^۱. کارشناس ارشد تاریخ (نویسنده مسئول) دبیر تاریخ منطقه الوار گرمسیری شهرستان اندیمشک. رایانامه:

mmirzavand2011@yahoo.com

^۲. کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی و کتابدار کتابخانه های عمومی شهرستان اندیمشک

shp1362@yahoo.com

^۳. وجیهه مرداسی کارشناس حقوق و پژوهشگر آزاد v.merdasi@gmail.com

مقدمه:

آرامگاه‌های متبرکه در شهرها و مناطق مختلف به مثابه پل‌های ارتباطی بین اعصار و قرون، از دیدگاه مذهبی، تاریخی و هنری همواره در رشد و تعالی فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی نقش بسزایی داشته و بعد از مساجد، بیشترین تعداد بناهای مذهبی را در کشور به خود اختصاص داده است؛ تا آن‌جا که کمتر شهر و روستایی را در ایران می‌توان یافت که از وجود چنین آرامگاه‌هایی خالی باشد. به غیر از موارد مذکور، معماری و هنر موجود در بنای امامزاده‌ها این قابلیت را دارد که افراد، چه مسلمان و چه غیر مسلمان، را به سوی خود جذب کند و وظیفه فرهنگی، مذهبی و هنری خود را ایفا نماید. این مقاله با رویکرد بررسی نقش مقام حاجی باریکاب در گسترش معارف اصیل اسلامی بر اساس آگاهی‌های تاریخی و فرهنگی تدوین شده است و در آن به سؤال زیر پاسخ داده شده است که:

مقام حاجی باریکاب چه نقش و جایگاهی در گسترش فرهنگ دینی در میان مردم منطقه داشته است؟

در این پژوهش از منابع مختلفی استفاده شده است که مهمترین آن‌ها منابع کتابخانه‌ای است. همچنین از مصاحبه‌های شفاهی با خدام و هیئت امنای بقعه و روایت‌های شفاهی معمرین استفاده گردیده است.

پیشینه تحقیق: در این زمینه تاکنون هیچ اثر علمی واحدی به طور خاص انجام نشده است. فقط برخی از کتب تاریخی و جغرافیایی حوزه لرستان اشارات بسیار کوتاهی به اماکن مذهبی منطقه و بخصوص امامزاده حاجی باریکاب داشته‌اند.

حمید ایزد پناه در کتاب ارزشمند آثار باستانی لرستان تنها به ذکر محل و ابعاد هندسی بقعه پرداخته و توجه به ذکر مسائل تاریخی و اهمیت مذهبی و روایات جزئی دیگر آن نداشته است. همچنین مرادحسین پاپی در اثر دیار بالاگریوه اشاراتی بسیار کوتاه به آن داشته است و یقیناً آن‌ها بیشترین گزارش موجودی هستند که در خصوص این امامزاده به شکل مکتوب نگارش یافته است. در نتیجه، با توجه به این که کار مستقلی در زمینه بقاع مذهبی منطقه بخش الوار گرمسیری بخصوص مقام حاجی باریکاب صورت نگرفته است و فقط در برخی کتب تاریخ محلی که در حوزه شهرستان اندیمشک یا بخش الوار گرمسیری نوشته شده است می‌توان اشاره‌ای به این بقعه را یافت که از آن میان می‌توان به کتاب اندیمشک، گوهری در نیمه راه جنوب یا اندیمشک و اندیمشک شناسی اشاره کرد. بنابراین پژوهش مذکور از این حیث قابل توجه است.

سیری در بناهای آرامگاهی و بقاع متبرکه در ایران

قدمت مقبره و آرامگاه تقریباً به اندازه قدمت انسان است و در همه فرهنگ‌ها و تمدن‌های بشری این بناها مورد توجه قرار گرفته اند. معمولاً در هر دوره‌ای ساخت مقابر ارتباط مستقیم با شان و جایگاه متوفی داشته است که به منظور یادبود و گرمی داشت فرد فوت شده بر محل دفن او برپا می کردند. با این وجود سنت آرامگاه‌سازی در ایران به قبل از اسلام باز می‌گردد. از آرامگاه‌های پیش از اسلام در ایران می‌توان به آرامگاه‌های پیامبران بنی اسرائیل همچون دانیال نبی و آرامگاه استرو مردخای و آرامگاه‌های ایلامی و هخامنشی همچون آرامگاه کوروش، داریوش و دیگر پادشاهان و بزرگان اشاره کرد. بعد از اسلام نیز با وجود این که پیامبر وصیت کرده بود بدون تشریفات بدن مبارکشان را به خاک بسپارند، اما پس از مدتی اینگونه دستورات به فراموشی سپرده شد و سنت آرامگاه‌سازی از بین نرفت. البته در میان پژوهشگران و محققین در مورد روند شکل‌گیری آرامگاه‌ها و بقاع در دوره اسلامی نظرات متفاوتی وجود دارد. گروهی بر این عقیده‌اند که آرامگاه‌ها انعکاسی از میراث حضور قبایل ترک نژاد در صحنه تاریخ هستند مانند برج‌های خرقان که به تنهایی در بیابانی بزرگ بنا شده‌اند (هلین براند، ۱۳۸۰: ۷۳). عده دیگری از محققان هم ساخت آرامگاه‌ها را همان انگیزه جهاد و شهادت با کفار مطرح نموده‌اند. امری که می‌توانسته توجیه مناسبی برای ایجاد آرامگاه‌ها باشد. (نیستانی، ۱۳۸۳: ۹۶) بطور کلی آرامگاه‌ها به شکل گسترده در سراسر خاورمیانه و آسیای مرکزی پراکنده‌اند که با دفن مسلمانان اولیه که جهت جهاد و کشورگشایی در این مناطق فوت شدند ایجاد گردیده است. در استان خوزستان بسیاری از آرامگاه‌ها به امامزاده‌هایی تعلق دارند که توسط حاکمان ستمگر عباسی به شهادت رسیده‌اند که می‌توان امام زاده احمد برادر امام رضاع) را نام برد که در راس کاروانی وارد ایران شده و به شهادت می‌رسند. (فقیه محمدی جلالی، ۱۳۸۴: ۴۳) در نخستین سده‌های اسلامی سه گروه شیعیان، اهل سنت و صوفیان که در گستره فرهنگی ایران زندگی می‌کردند، نگهداری احوال گذشتگان برایشان مهم و حیاتی بود. به گونه‌ای که پس از مسجد، آرامگاه مهم‌ترین و متداول‌ترین نوع بنا در معماری اسلامی ایران را تشکیل می‌دهد. (غروی، ۱۳۷۶: ۹۹) برخی از پژوهشگران نیز تدفین هارون الرشید خلیفه مشهور عباسی در خراسان را جزء نمونه‌های آغازین سنت آرامگاه‌سازی در ایران قلمداد نموده‌اند و آن را زیر بنای کوچکی برای تکوین بنای آرامگاه امام هشتم شیعیان به شمار آورده‌اند. لیکن برخی از محققان آرامگاه امیر اسماعیل سامانی در بخارا را نخستین بنای واقعی آرامگاهی در گستره فرهنگ ایرانی به شمار می‌آورند که سرمشقی برای ساخت دیگر آرامگاه‌های با شکوه قرار گرفت. (ولایتی، ۱۳۸۹: ۱۱۵) آرامگاه‌ها در اجتماع ایران دارای برتری‌های خاص خود می‌باشند و به جرات می‌توان گفت که توجه مردم به آستان قدس رضوی و حضرت معصومه (س) و هزاران امامزاده دیگر پدیده‌ای است بی‌نظیر در سراسر جهان و

این سبب شده است که در این گستره، آرامگاه‌ها از گوناگونی ویژه‌ای برخوردار باشند (غروی، ۱۳۷۶: ۱۰). از مهمترین کارکردهایی که در مورد این اماکن مقدس می‌توان شمرد این است که مردم ایران از آنان به عنوان واسطه خداجویی بهره‌برداری می‌کند و همچنین این اماکن در بسیاری جاها می‌توانند مشخصه یک آبادی یا شهر و روستا باشند و برای آنان مشخصه هویتی ایجاد کنند (همان). به عنوان نمونه بسیاری از مردم وقتی صحبت از شهر شوش می‌کنند آن را با نام شوش دانیال به یاد می‌آورند. با روی کار آمدن حکومت آل بویه (۳۲۰-۴۴۷ ه.ق) در زمینه ساخت بقعه بر روی مشاهد معتبر و مزار امامزادگان فعالیت گسترده‌ای آغاز گردید یکی از اقدامات مذهبی عضدالدوله‌ی دیلمی در دوران حکومتش بازسازی حرم امامان شیعه در عراق می‌باشد. بازسازی حرم امام علی (ع)، امام حسین (ع)، حرم کاظمین و حرم عسگریین در زمان عضدالدوله صورت گرفت. (جعفریان، ۱۳۸۷: ۱۶۵). با گسترش فرقه‌های صوفیه و نحله‌های عرفانی در قرن‌های ششم و هفتم هجری و روی آوردن بسیاری از امرا و حکام به این مسلک نوع دیگری از مقابر و آرامگاه‌ها شروع به گسترش کرد. در دوره مغولان و تیموریان آرامگاه‌های زیادی جهت دفن امرا، بزرگان صوفیه و ... ایجاد شد که گنبد شب‌غازان مقبره این ایلخان و گنبد سلطانیه نمونه‌هایی از آن است (غروی، ۱۳۷۶: ۱۴۰) با ظهور صفویان سنت آرامگاه‌سازی در ایران متحول شد. در گذشته برای شاهان، دولتمردان سیاسی و نظامی، عارفان، قدیسین و تا حدودی اولاد و احفاد امامان آرامگاه ساخته می‌شد (سجادی، ۱۳۹۱: ۵۱) ولی شاهان صفوی که مذهب تشیع اختیار کرده بودند پذیرفتند که با وجود نشستن بر اریکه قدرت، قدیس و قابل احترام نیستند یا دست کم در مقابل امامان و امامزادگان و دیگر روحانیون شیعی عظمت معنوی و روحانی برخوردار نیستند؛ به عبارتی، سلاطین صفوی به مانند امرای بویه‌ای ترجیح دادند در کنار یکی از اعضای خاندان عصمت و طهارت به خاک سپرده شوند. (فقیه محمدی جلالی، ۱۳۸۴: ۴۳) در واقع صفویان صفوی با رسیدن به حکومت، صوفی‌گری را به شیعی‌گری مبدل کرده، روال آرامگاه‌سازی برای عارفان را به آرامگاه‌سازی برای امامزادگان تبدیل کردند؛ و برای تکمیل و تزیین ساختمان بقاع متبرکه هزینه‌های بسیار نمودند. شاهان صفوی در پایتخت و شاهزادگان و حکمرانان در دیگر شهرها در ایجاد بناهای مذهبی فعالیت چشمگیری داشتند. (شریف قرشی، ۱۳۷۲: ۱۰). رشد آیین شیعه و گسترش آرامگاه‌سازی و تزیین آرامگاه قدیسین و دایر نگه داشتن آن، از اسباب مهم تکوین و رشد و گسترش آیین شیعه در این قلمرو بوده است. (ابن اثیر، ۱۳۵۱، ۱۵: ۳۰۷) این روند در دوره‌های بعد بخصوص دوره قاجار ادامه یافت و در عصر قاجاریه شاهد بازسازی و مرمت بسیاری از بقاع و مزار امامزادگان هستیم. بناهای آرامگاهی باقی مانده در ایران، عمدتاً بناهای مذهبی هستند.

با این حال، دلایل پیدایش و شکل‌گیری مشاهد و آرامگاه‌ها در ایران، را می‌توان هم به وقایع تاریخی صدر اسلام و مهاجرت امام زادگان به سرزمین‌های شرقی اسلامی و همچنین عشق

و علاقه به امامان شیعه و خاندان آنان مرتبط دانست، که به وسیله ساخت آرامگاه از آنان تجلیل و تکریم به عمل آمده است. البته بایستی جنبه‌های سیاسی و مذهبی بزرگداشت ائمه شیعه و خاندان آن‌ها را نیز در نظر گرفت. (مجلسی، ۱۴۲۵، ۵۰: ۲۴۵) پس به طور کلی دو عامل عمده را می‌توان در ساخت بناهای آرامگاهی ایران موثر دانست، یکی مهاجرت امامزادگان به ایران، و دیگری گسترش تصوف و عرفان اسلامی. که موضوع مقاله حاضر انعکاسی از این عوامل می‌باشد.

مهاجرت امام زادگان به ایران

بعد از رحلت حضرت محمد (ص) نهال نوپای اسلام که با جانشینی برحق علی (ع) و خاندانش می‌توانست محکم و استوار بر جهان اسلام سایه افکن باشد، به واسطه حادثه سقیفه و بروز مسئله خلافت و جانشینی آن حضرت صدمه دید. ایجاد دو دستگی و تفرقه میان مسلمانان به ویژه از دوره خلافت عثمان با قدرت نمایی اشرافی چون معاویه شدت یافت و بعد از شهادت حضرت علی (ع) به تقابل دو مذهب شیعه و اهل سنت انجامید. معاویه که بعد از حضرت علی (ع) خود را مالک و امیر مسلمانان می‌دانست به یاران و خاندان عصمت و طهارت چنان سخت گرفت که آنان را به مهاجرت از موطنشان وادار نمود. روند آزار و اذیت خاندان ابوتراب و سبّ علی (ع) پایه و اساس حکومت‌داری امویان شد که واقعه کربلا عظیم‌ترین حالت آن بود. هنگامی که دوره خلافت امویان و آل مروان به سرآمد، نوبت ریاست عباسیان فرا رسید؛ و با آن که آنان با اسم اهل بیت (ع) و قرابت با ایشان حکومت را به دست گرفته بودند، اوضاع آل علی و شیعیان تغییر چشم‌گیری نیافت و همواره در زجر و به حبس سر برده و با دسایس و حیل از اوطان خود مهجور، تبعید و فراری گردیده، مسموم یا مقتول می‌گشتند (سجادی، ۱۳۹۱: ۵۲) وجود آرامگاه‌های اولاد علی (ع) در سراسر ایران، حاکی از این مطلب است که این بزرگواران به واسطه حکومت‌های ظالمانه اموی و عباسی، از دیار خود هجرت کرده و خاک ایران را برای زندگی انتخاب نمودند؛ و در این سرزمین به دست عمال خلفا به شهادت رسیدند و یا به مرگ طبیعی رحلت می‌نمودند. متأسفانه از زندگی‌نامه بسیاری از این امامزادگان، اطلاع چندانی در دست نیست و این مسئله احتمالاً بدان علت است که آل علی (ع) از شدت جور و ستم خلفا که در تاریخ ثبت است با مخفی کردن سیادت و علویت خود به طور ناشناس به شهرهای دور دست هجرت می‌کردند تا کسی آن‌ها را نشناسد. به نظر می‌رسد مقام متبرکه مورد بررسی در این مقاله نیز، در این زمره است و به این خاطر اطلاعی از زندگی وی در منابع دیده نمی‌شود. براساس آمار سال ۱۳۸۷ در ایران، حدود ده هزار و ششصد و نود و یک امامزاده وجود دارد (شریفی، ۱۳۹۰: ۱) وجود این تعداد کثیر امامزاده در ایران، گویای موج گسترده مهاجرت‌هایی است که در قرون اولیه اسلامی به سوی ایران صورت گرفته است. این مهاجرت‌ها تحت تاثیر رویدادهای قرون اولیه اسلامی، در

چند دسته صورت گرفته است. مباحث متعدد و متنوعی درباره علل و اسباب این مهاجرت، مقاطع زمانی و تاریخی، پراکندگی و تنوع آثار و دستاوردهای فرهنگی، دینی، سیاسی و اجتماعی آن‌ها قابل طرح و بررسی است. قریب به یقین مهاجرت امامزادگان و سادات و فرزندان و نوادگان اهل بیت(ع) و مبارزان علوی با شروع نهضت‌های عدالت خواهانه علویان از نیمه دوم قرن اول هجری و افزایش فشار، تعقیب و گریز و دستگیری امامزادگان آغاز شد.

مهاجرت آل ابی طالب(ع) و سادات و نوادگان و ذریه آل رسول(ص) به ایران که عمدتاً در قرن های دوم و سوم هجری به وقوع پیوسته است، دلایل مختلفی داشت در پایان قرن اول هجری آن دسته از سادات که از ظلم و ستم امویان و بویژه سفاکی‌های حجاج بن یوسف ثقفی سردار عبدالملک اموی به ستوه آمده بودند بدین حدود پناه آوردند.(کریمان، ۱۳۸۶: ۱: ۱۷۲) و بسیاری از امام زادگان به ناچار به سمت مناطق کوهستانی و یا دور دست و امن ایران متواری شده و در گوشه و کنار ایران پراکنده شدند.(مرعشی، ۱۳۶۳: ۲۷۷) گروه دیگر کسانی بودند که به خاطر امنیتی که در مناطق شمالی ایران بود به این نواحی آمدند. در واقع ایران، دور از دسترس حکومت‌هایی بود که مرکز آن‌ها در شام و یا عراق قرار داشت. امنیت و علاقه مردم و فشارهای عباسیان و قبل از آن‌ها امویان، باعث شد تا گروه‌هایی از علویان، بدین مناطق مهاجرت کنند. در واقع خروج عده‌ای از فرزندان علی(ع) بر خلفا و شکست نظامی آن‌ها در برابر خلفا، عامل خروج بسیاری از امامزادگان مهاجر به طرف ایران و پناه بردن به دولت‌ها و حکومت‌های محلی شیعی ایرانی خصوصاً در رویان و طبرستان بوده است.(غروی، ۱۳۷۶: ۱۲) با ظهور حکومت علویان در مازندران و

طبرستان(۲۵۰-۳۱۶ ه.ق) گروه زیادی از سادات و امام زادگان به امید پناه گرفتن به این مناطق کوچ کردند همزمان عده‌ای دیگر با هدف ترویج دین و مذهب به نقاط مختلف ایران مأمور شده‌اند که در این رابطه علی بن مهزیار در اهواز و بابا پیرمحمد در ایلام شناخته شده‌اند.

اما بزرگترین مهاجرت سادات و فرزندان امامان به ایران علی‌الخصوص به مناطق جنوبی ایران در عهد مهاجرت و ولایتعهدی امام رضا(ع) به ایران می‌باشد، این گروه در دو کاروان یکی به سرپرستی برادر امام رضاع(ع) به نام احمد بن موسی(شاه چراغ) و کاروان دیگر، به سرپرستی حضرت معصومه(س) به ایران مهاجرت نمودند.(عرفان منش، ۱۳۸۶: ۱۷) با آمدن حضرت علی بن موسی(ع) به ایران، گروه‌هایی از «سادات»، راهی ایران شدند، تسامح مأمون در مقابل سخت‌گیری پدرش رشید، نسبت به سادات، در رشد و سربلندی علویان، تأثیر بسزایی داشت. خلیفه مأمون اگر چه با قیام‌های آن‌ها به شدت برخورد کرد، اما در حالت عادی به علت اعتقادی که به برتری حضرت علی(ع) بر سایر خلفا داشت، نسبت به علویان نیز

احترام زیادی گذاشت. با این حال در اواخر، سیاست او، كاملا نسبت به این افراد كه به ظن حكومت عباسیان را تهدید می‌كردند، تغییر كرد.

امامزاده حاجی باریكاب (باریک آو)

مقام متبركه حاجی باریكاب، توسط اداره اوقاف شهرستان دزفول بنام امامزاده حاجی باریكاب به شماره پرونده «ع- ح) ۵۶۷-۳۱» و در اداره اوقاف شهرستان اندیمشك به شماره پرونده (۱ / ۶) به ثبت آثار مذهبی رسیده است. این بقعه از آن جا به حاجی باریكاب مشهور شده كه در روستایی از منطقه باریكاب بخش الوار گرمسیری قرار دارد و نام منطقه نیز نام آن را تحت الشعاع قرار داده است. سنگ قبر فاقد كتیبه است و همین امر هم ضمن اینکه كار را مشكل کرده، هرگونه شناخت تبار، نسب و زمان حیات دقیق آن را دشوار ساخته است. در مورد این كه نامی از آن نیست باید گفت «مشكل نام و نسب نامه و شهرت محلی آن ها بر خلاف تحقیقات كتابخانه ای است زیرا بسیاری از سادات به جهت ترس از عمال جور در خفا، پنهانی و ناشناس می زیستند و از احوال و پایان كار ایشان، اطلاع دقیق و صحیحی در دست نیست. هنگامی كه این بزرگواران فوت می نمودند، ارباب خیریه بقعه ای بر روی مزارشان می ساختند و لوحه بر آن نصب می نمودند، اما شرح حال آن ها ناگفته می ماند...» (شورمییچ، ۱۳۹۴: ۲۰۳) در واقع فقدان منابع مستند و کافی و نبود پژوهش های معتبر درباره زندگی، نسب و شخصیت امامزادگان و شفاهی بودن بسیاری از منابع منشا بسیاری از ابهامات و اشكالات در بررسی سیره امامزادگان به شمار می رود. به روایت شیخ های پارسی ساکن در میان طوایف بختیاری این آرامگاه متعلق به فردی از فرزندان امام هفتم شیعیان به نام امامزاده سید حاجی محمد بن موسی کاظم (ع) است و هم اینان بوده اند كه تابلویی با همین نام در محیط بیرونی امامزاده نصب کرده اند. البته سند و دلیلی قانع کننده بر این ادعا در دست نیست و ممكن است دلیل طرفداری آن ها در نسب و تبار این امامزاده به امام موسی کاظم (ع) قول و گفته این نویسنده بومی باشد كه گفته است «... مهمترین نکته ای كه در آثار متبركه منطقه وجود دارد ارتباط اكثر بقاع با امام هشتم می باشد و محور آن ها عبور برادر امام [شاهچراغ] از منطقه می باشد...» (جلالی عزیزیان، ۱۳۶۳: ۷۲) لذا این نکته كه نسب تمامی امامزادگان منطقه الوار گرمسیری به امام موسی کاظم (ع) و اولادش می رسد، را نمی توان به صراحت پذیرفت. زیرا از طرفی مقبره محمد بن موسی کاظم (ع) معروف به میرمحمدعابد در نزدیکی شاهچراغ شیراز قرار دارد (عرفان منش، ۱۳۸۶: ۲۱) و از طرف دیگر در این خصوص تاکنون سندی یا اثری مکتوب كه نشان دهنده اصل و نسب صاحب بقعه حاجی باریكاب و انتساب وی به امام موسی کاظم (ع) باشد بدست نیامده است. در واقع از این دسته امامزادگان در كشور فراوان است به طوری كه یکی از پژوهشگران در این خصوص می نویسد «... امامزاده های فراوانی را سراغ داریم كه فرزند امام موسی کاظم (ع) معرفی شده اند. حال آن كه آن حضرت این همه فرزند نداشته است و اینان

فرزندزادگان، نتیجه، نبره و ذریه امام موسی کاظم هستند که در نسب شان نام یک یا چند واسطه حذف گردیده است و این موضوع آنان را فرزند بلافصل امام در آورده است...» (شورمیچ، ۱۳۹۴: ۲۰۴) با این حال در مورد صاحب بقعه حاجی باریکاب این فرضیه که ایشان از مشایخ عرفا باشد، محتمل تر می نماید. چنانکه مراد حسین پاپی مولف کتاب تبار هخامنش دیار بالاگریوه نیز همین نظر را دارد (پاپی، ۱۳۸۷: ۲/۱۷۰) امری که با توجه به شرایط معماری و نوع بنا و مهندسی ساخت در مقایسه با صاحب بقعه خلیل اکبر در میان کوه پلدختر لرستان که عارف بودن آن در کتیبه ای مسجل شده است به حقیقت نزدیکتر است. از طرفی وجود کلمه حاجی که در جلوی اسم صاحب بقعه قرار دارد می تواند قرینه ای برای این موضوع باشد چون معمولاً امامزادگان را با پیشوند سید نام می برند و کاربرد اصطلاح حاجی مرسوم نیست. همچنین در مورد هویت حاجی باریکاب نظر دیگری هم به ذهن خطور می کند که ایشان در زمره هیچ کدام از دو گروه پیشین قرار نمی گیرد و آن این است که ایشان فردی صالح و با ایمان قوی بوده باشد که جهت بزرگداشت او بعدها قوم او بارگاهی بر آن افراشته باشند و اخلاف آن‌ها پس از سالیان گمان کردند که او یک امامزاده و از اولاد اهل بیت (ع) است.

موقعیت جغرافیایی و طبیعی حاجی باریکاب

بقعه متبرکه حاجی باریک آب با عرض جغرافیایی شمالی ۳۲،۵۱،۳۳،۲۰ و طول جغرافیایی شرقی ۴۸،۱۹،۵۲،۵۲ در روستای درگنبد حاجی باریکاب از توابع بخش الوار گرمسیری و در دامنه جنوبی سلسله جبال زاگرس در شمال شرقی جاده اندیمشک به خرم آباد و در فاصله تقریبی ۶۵ کیلومتری مرکز شهرستان اندیمشک و در ۱۵ کیلومتری دهستان قیلاب واقع شده است (تصویر ۱) می دانیم که خوزستان از لحاظ وضع طبیعی، به دو ناحیه تقسیم می شود، یکی قسمت کوهستانی شمالی که ارتفاعات زاگرس و جبال بختیاری با شیب ملایم سرازیر می شود و دیگری قسمت جنوبی که قسمت بیشتر آن را دشت های آبرفتی یا باتلاقی تشکیل می دهد (بیات، ۱۳۸۳: ۲۳۸) بنا براین مکان مورد بحث در ناحیه ای از بخش های شمالی کوه های زاگرس خوزستان متصل است که با سلسله کوه های زاگرس در لرستان پیوند پیدا می کند. این بنا به صورت چهار ضلعی و در جهت شرقی - غربی قرار گرفته است. اطراف بقعه را یک قبرستان قدیمی فرا گرفته است که اهالی روستا و ساکنین اطراف اموات خود را بدلیل تبرک جستن در جوار آن به خاک سپرده اند. خادمین این بقعه را شیخ حاجی باریک آب می نامند که طوایف منطقه الوار احترام خاصی برای آن‌ها قائل هستند. اگر چه به قول سیستانی هوای اندیمشک و به طبع آن منطقه حاجی باریکاب دارای زمستان های معتدل و تابستان های گرم است. (افشار سیستانی، ۱۳۸۵: ۲/۸۳۶) اما این منطقه کوهستانی در فصولی از سال دارای هوای سرد، بارانی و گاه از بارش برف برخوردار است. در واقع در فصول اولیه سال نسبتاً آب و هوای تقریباً معتدل و مطلوب بهاری دارد، بطوری که در هوای

گرم تابستان كمتر اتفاق مى افتد كه هواى اين مكان از مرز ۴۰ درجه عبور كند و از دماى بالا و شدت شرجى خوزستان خبرى ديده نمى شود. لازم بذكر است بر منطقه يك شرايط كم آبي شديد حاكم است و محتمل وجه تسميه اين منطقه بدليل همين نبود آب رودخانه هاى بزرگ و بسنده به چشمه هاى قليلى و كم آب است كه نام باريك آب را به خود گرفته است. منطقه داراى پوشش جنگلى و گياهى گوناگونى از قبيل: بلوط، انجير، كلخنگ، انار، زالزالك، مو، چنار و سرشار از گياهان داروئى و گل هاى معطر و رنگارنگ است. اين طبيعت بخصوص در فصل بهار بسيار زيبا و ديدنى است و مسافران و گردشگرانى را كه از ديرباز به اين منطقه وارد شده اند را به تحسين واداشته است (چريكف، ۱۳۵۸: ۱۴۰). همچنين حيواناتى وحشى كه يا در حال حاضر وجود دارند يا تا همين يكى دو دهه گذشته در طبيعت زيباى باريكاب ديده شده اند از قبيل: گرگ، جوجه تيغى، كفتار، شغال، روباه، قوچ كوهى، بز كوهى، گربه وحشى، يوز پلنگ، خرگوش و پرندگانى همچون عقاب، كركس، قرقى، باز، كبوتر، كبك، تيهو، بلبل، گنجشك و ... را در طبيعت خود جاى داده است. شايد مهمترين چيزى كه اين منطقه را تقريبا از بسيارى از نقاط ايران متمايز كرده است وجود گونه اى از آبزبان دوزيست به نام «سمندر ايرانى» باشد با اين كه در لرستان كشف و ثبت مى شده، اما در لرستان داراى دوازده زيستگاه و در انديمشك داراى سى زيستگاه كه عمده آن در چشمه آب هاى منطقه باريكاب است ديده مى شود (ويكى پديا) سمندر در بين برخى اهالى محلى منطقه الوار گرمسيرى به نام حاجى باريكاب معروف است و دليل پيدايش اين نام بر اين جانور بى شك همان وجود اين آبرى در آبهاى « آب چنار»، « آب الن»، « آب سيل»، « آب نو» و ساير چشمه آب هاى اطراف امامزاده است كه به اين چشمه ها زينت خاصى بخشيده است. در واقع حاجى باريكاب در فرهنگ بومى و محلى مردم منطقه به شدت نفوذ كرده به گونه اى كه آنان به حاجى باريكاب قسم ياد مى كنند و حتى سمندر ايرانى اين موجود كمياب در اين مكان را موسوم به نام حاجى باريكاب ساخته اند. گويى از نظر آنان روح حاجى باريكاب در عناصر منطقه زنده است. شايد وجود اين سمندر در اين منطقه و نه در ديگر جاهاى معمول پيشينيان پاك اعتقاد و ساده دل ساكن اين نواحى را بر آن داشته كه بيندارند وجود اين موجود در اين جا تصادفى نيست و ربطى به حاجى باريكاب دارد و شايد هم از كرامات آن است.



تصویر ۱) آرامگاه حاجی باریک آب از ضلع جنوب شرقی

مردم شناسی، اقتصاد و خادمان تاریخی بقعه حاجی باریکاب

تمامی افراد ساکن در منطقه باریکاب متشکل از طوایف شیخ، قلاوند، میر و ... به برکت وجود کوه ها و مراتع مناسب به شغل دامداری و احشام پروری مشغول هستند. اما صنایع و معادن آن نیز همچنان دست نخورده باقی مانده است به گونه ای که تیمسار رزم آرا که در سال ۱۳۲۰ ه. ش جغرافیای نظامی لرستان بزرگ^۱ را به چاپ رسانید و پیش تر از تمام مناطق جغرافیایی لرستان و از آن جمله منطقه باریکاب دیدن کرده است به ارزش اقتصادی و اهمیت آن اشاره کرده است. او می نویسد: «...در لرستان وجود منابع زیر زمینی زیاد و گیاهان معطر و دارویی که تاکنون برای بهره برداری و استفاده از آن اقدامی نشده قطعاً در آینده یکی از منابع بسیار مهم شمرده شده و یک وسیله جدیدی برای معیشت این منطقه خواهد بود...» (رزم آرا، ۱۳۲۰: ۲۵۴) گفتنی است تمامی طوایف ساکن در منطقه منشعب از اقوام لر هستند که به زبان فارسی و لهجه لری تکلم می کنند. (افشار سیستانی، ۱۳۸۵: ۲/۸۳۶) دین آن‌ها اسلام و مذهب آن‌ها شیعه دوازده امامی می باشد. آن‌ها علاقه خاصی به اسلام و اهل بیت و خاندان عظیم الشان حضرت محمد(ص) دارند. اجتماع کوچک بیست خانواری که در جوار امامزاده زندگی می کنند و امر خدمتگزاری به صاحب این مقبره را به عهده دارند را شیخ، یا « شیخ های حاجی باریک آب » می نامند^۲. آن‌ها عمامه ای به رنگ سفید بر سر می بندند و تا روزگار ما در بین برخی ریش سفیدان آن‌ها نیز عمامه بستن وجود

^۱- تا پیش از سال ۱۳۵۹ ه. ش منطقه الوار گرمسیری به عنوان بخش ۱۳ استان لرستان به شمار می رفت.

دارد امری كه هم نشان از وابستگی و متولی بودنشان به مقام متبركه دارد و هم نشان از نوعی تمایز با سایر گروه ها و طوایف است. اسامی برخی از متولیان مشهور امامزاده حاجی باریكاب را در دو سده اخیر به قرار زیر است:

۱- شیخ كوچك

شیخ كوچك از خادمان نامی حاجی باریكاب در اوایل دوره قاجار می باشد كه داستان دیدار وی با حسین خان ساکی (متوفی ۱۲۴۰ ه.ق) و ماجرای توسل وی به بارگاه حاجی باریكاب و رفع مزاحمت خان ساکی، به عنوان کرامتی از جانب مقام حاجی باریكاب در بین مردم بومی منطقه مشهور است. حسین خان ساکی كه از مقتدرترین خوانین لرستان بود (والیزاده معجزی، ۱۳۸۰: ۳۱) و به قول محمود میرزا قاجار «در بی باکی از جمله مشهوران» زمان بود (محمود میرزا، ۱۳۹۰: ۱۷۴) گویا در زمانی كه مهمان شیخ كوچك بوده، قصد تعرض به خانواده شیخ را داشته كه شیخ كوچك به درون مقبره حاجی باریكاب رفته و به آن توسل می جوید كه امامزاده او را از شر حسین خان در امان نگه دارد. دیری نمی باید كه پیکي خبر درگیری بین ایل های ساکی و میر در منطقه مرزیل (۱۲۳۷ ه.ق) و كشته شدن فرزند و برادر وی را به حسین خان می دهند (ساکی حسین خانی، ۱۳۸۶: ۱۴) بلافاصله حسین خان ناچار به ترك منطقه می گردد و بدین طریق حاجت شیخ برآورده و خیالش آسوده می گردد.

۲- شیخ اقبال

۳- شیخ باران

۴- شیخ خداداد

۵- شیخ اله یار

۶- شیخ اسماعیل، شیخ روح الدین و شیخ كرم

لازم به ذكر است كه از سال ۱۳۹۴ ه.ش این بقعه زیر نظر اداره اوقاف و امور خیریه شهرستان اندیمشك و با كمك اهالی روستای درگنبد باریكاب اداره می شود

گروهی از شیخ های خادم امامزاده در گذشته به میان ایل چهار لنگ بختیاری مهاجرت نموده اند. دلایل این مهاجرت مشخص نیست اما می تواند ناشی از نزاع های داخلی و كشمكش های طایفه ای، یا مسائلی چون بیماری های واگیردار، قحطی و بلایای طبیعی باشد. از آنجا كه نسل ها گذشته و سالیان متمادی بین شان فاصله انداخته، آن ها هنوز خود را از شیخ های امامزاده و وابسته به آن به شمار می آورند و هر ساله نذورات خود را تقدیم آستانه حاجی باریكاب می نمایند كه به شیخ های پارسی معروف هستند. نکته قابل توجه در منطقه این است كه در این حدود

ایل راه پارسی^۱ است که به احتمال مربوط به دوره هخامنشی در شرق مقبره امامزاده و به فاصله ۶ کیلومتری به سمت منطقه انارکی در امتداد است^۲ و هنوز بقایایی از سنگ فرش‌های آن قابل مشاهده است که دلیلی بر قدمت و وجود پارسیان باستان در این منطقه دارد و ممکن است ارتباطی بین آن‌ها قابل ردیابی باشد.

کرامات منتسب به حاجی باریکاب

شایان ذکر است که عده زیادی از مردم استان‌های لرستان، خوزستان و چهارمحال و بختیاری برای زیارت و شفاعت به امامزاده حاجی باریکاب پناه آورده و نیز جهت برآورده شدن حاجت و شفاعت خود شبانه در کنار ضریح می خوابند. اعتقاد به کرامات فراوان باعث شده تا این امامزاده جایگاه عظیمی در اندیشه مذهبی و اعتقادی مردم منطقه پیدا کند. کراماتی که البته دستخوش تحریفات بسیار شده اند و در پهنه علم تاریخ جایگاهی ندارند اما به صاحب بقعه حاجی باریکاب نسبت داده شده اند. نقل می‌کنند یکی از خادمین بقعه به نام شیخ خداداد (متوفی ۱۳۶۰ ه.ق) در محل ساختمان مقبره برای مدتی محصول کشاورزی (جو) خود را انبار کرده بود که شخصی به نام عادل بک (عودل وک تتر) از بومیان محلی از شیخ درخواست مقداری جو می نماید و چون یکی از نزدیکان متولی (شیخ خداداد) در جهت تامین نیاز درخواست کننده به سراغ انبار جو به داخل مقبره امامزاده می روند و در انبار جو را باز می‌کند متوجه می شود به امر خداوند تمام انبار جو به گندم تبدیل شده است. به گفته نوادگان او این واقعه بین سال‌های ۱۲۹۰ الی ۱۲۹۵ ه.ش اتفاق افتاده است. مصاحبه نگارنده با حاج روح الله شیخ قلاوند، (۱۳۹۵/۵/۲۵) اگر چه شیخ خداداد که گویا در آن لحظه خود شخصا حضور نداشته، به محض اطلاع پیدا کردن از جریان سعی زیاد می کند تا این موضوع را فاش نکند اما شاهدان عینی این مطلب را فاش می‌کنند و همین امر هم باعث شده تا بومیان از آن به نام امامزاده حاجی باریکاب شیخ خداداد یاد کنند. به نظر می‌رسد متواتر بودن آن، نقل سینه به سینه آن در بین مردم منطقه و پذیرش موضوع خود دلیل بر صحت آن باشد. به هر حال از این پس شیخ‌ها و این خانواده جایگاه معنوی خاصی در میان مردم منطقه پیدا می‌کنند. در مواردی جاری کردن سوگند بوسیله آن‌ها با حضور طرفین دعوی در داخل امامزاده برای حل اختلافات محلی کارکردی فصل الخطابی دارد. شیخ‌ها به برکت خدمتشان به مقام حاجی باریکاب در میان طوایف، محترم هستند و از دید مردم این منطقه طایفه شیخ جزو طوایف پرهیزکار و متدین به حساب می‌آیند. نقل شده چوپانان و افرادی که در مواقع

^۱ جاده پارسی، شاه‌ی از شوش پایتخت تابستانی هخامنشیان تا سارد در سوریه فعلیه به مساحت ۷۷۰۰ کیلومتر می‌گذشت.

^۲ یکی از ویژگی‌های این اثر یکی قرار گرفتن در مسیر راه باستانی از لرستان به انتهایی‌ترین نواحی شمال غرب خوزستان است.

نوشیدن آب از چشمه ها دچاز زالو گرفتگی و یا بیماری هاری می شدند چنانچه لقمه نانی یا حبه قندی و یا ذره ی نمک از دست یکی از این شیخ ها می خورد زالو بلافاصله می افتاد و هاری نیز درمان می شد. با این همه همواره نام حاجی باریک آب بر سر زبان هاست و هرساله از جای جای استان های همجوار زیارت کنندگانی دارد.

همان طوری که گذشت در فاصله ۲۰۰ متری غرب آرامگاه و قبرستان مسلمانان، یک گور (قبر) وجود دارد که مردم محل آن را نامبارک و سنگ لعنتی می نامند. اهالی بر این باورند این سنگ (گزیر) نامبارک و پلید است. به نظر می رسد متعلق به فردی زرتشتی (گبر) و یا از اقلیت های دینی دیگر است. این احتمال هم وجود دارد که در نزد اهالی ساکن، گزیر همان تحریف شده واژه گبر باشد که دلیل دفن با فاصله، از قبرستان مسلمانان در حریم بقعه نیز همان غیر مسلمان بودن آن باشد که بعدها شاید برداشت سیاسی و مذهبی به خود گرفته است و تاکنون نیز توسط اهالی و برخی از زائران به عنوان یک نماد کفر سنگ باران می شود. چنانچه گویی که زیارت بدون سنگ زدن بر پیکره این سنگ پلید مورد قبول واقع نمی شود و شاید هم یک نوع الگو برداری شده از مراسم توحید و برائت از مشرکین و رمی جمرات مسلمانان در موسم حج در بیت الحرام باشد.

ساختمار معماری آرامگاه حاجی باریکاب :

حمید ایزدپناه مؤلف کتاب آثار باستانی و تاریخی لرستان که خود در سال ۱۳۷۶ه. ش از امامزاده دیدن کرده است معماری بنا را اینگونه توصیف کرده است: «... مصالح مورد استفاده در این آرامگاه (سنگ گچ، آهک) می باشد. ارتفاع گنبد آن نزدیک به ۸ متر و اندازه داخل آن $۳/۲ \times ۴/۱۰$ سانتی متر است...» (ایزد پناه، ۱۳۷۶، ۲: ۱۴۷) نگاره سطور نیز در بازید از مکان همان اندازه ای را مشاهده کرده که ایزدپناه در کتابش ذکر کرده است با این تفاوت که وی تمامی بنا و ابعاد آن را اندازه گیری و بررسی نکرده است. لازم به ذکر است بنای آرامگاه در تابستان سال ۱۳۵۹ ه. ش توسط دو استادکار از بومیان محلی به نام شیخ اسماعیل و شیخ روح الدین و ۱۰ نفر از شیخ های ساکن همان محل س با کوشش و مشقات زیاد تعمیر شده است از آنجایی که جاده صعب العبور بوده و ناگزیر مصالح را با حیوانات و چهارپایان جابجا می کردند از تهیه، تامین تا مرمت و روپوش مدت هفتاد روز به طول انجامیده است. (مصاحبه با روح اله شیخ قلاوند، ۱۳۹۵/۵/۲۵)

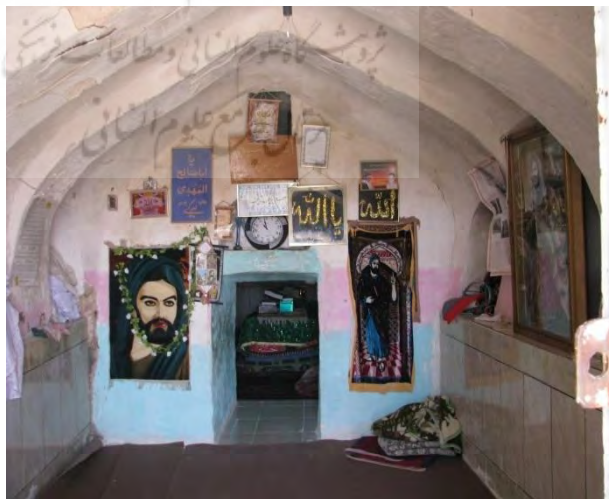
آرامگاه حاجی باریکاب با پلان مستطیل شکل به ابعاد $۱۲/۵۰ \times ۶/۷۰$ مترساخته شده است (تصویر ۵) شالوده اصلی بنا به صورت یک گنبد خانه و اتاق پیش ورودی تشکیل شده است. گنبد مقبره یک پوش و از نوع رک و نسبتا کوتاه و به شکل کله قندی است که قندیلی برنجی به ارتفاع ۸۰ سانتی متر بر روی آن کار گذاشته شده است (تصویر ۲). گنبد بر روی ساختمانی مستطیل شکل به ارتفاع ۴ متر از سطح بام می باشد.



تصویر ۲) قندیل راس گنبد

فضای داخلی مقبره به صورت طاق نمای جهت دار است که قبر در وسط آن قرار گرفته است، در فضای زیر گنبد که قبر متوفی در آن است در چهار طرف دارای چهار دریچه جهت روشنایی نور به داخل گنبد خانه می باشد. علاوه بر آن در نوک بالایی چهار طاق نما داخلی باز چهار دریچه کوچک جهت نور و تهویه هوا به داخل گنبدخانه تعبیه شده است. مقبره دارای طاق نماهایی است که گنبد روی آن اجرا شده است.

تصویر ۳) اتاق پیش ورودی





تصویر ۴) گنبد خانه

ورودی داخلی مقبره به صورت مستطیل و به ابعاد $۸۵ \times ۱/۲۵$ متر و دارای عمق $۱/۲۵$ متر می باشد. (تصویر ۳) اما ورودی اصلی به داخل اتاق پیش ورودی در جهت شرقی ساخته شده و اندازه آن $۱ \times ۲/۲۵$ متر است. پس از در ورودی داخل اتاق پیش ورودی آرامگاه می شویم ورودی اتاق توسط ۴ طاق و تویزه که بین هر کدام یک طاق نمای طاقچه مانند وجود دارد اجرا شده که از شاخصه معماری این بنا می باشد. در بیشتر بناهای آرامگاهی این منطقه این نوع طاق و پوشش مشاهده نشده و اکثرا دارای بناهای تک واحدی بصورت گنبدخانه هستند که اهمیت معماری و در عین حال ساخت ساده آن را نشان می دهد. اتاق پیش ورودی یک فضای مستطیل شکل دارد و مجموعه بنا با یک ورودی در ضلع شرقی با فضای خارج در ارتباط است. مصالح به کار رفته در بنا عبارتند از: سنگ، آجر، گچ و آهک. از سنگ برای چهارچوب و اسکلت بندی بنا استفاده شده است اما برای اجرای طاق و قوس آجر و گچ به کار رفته است. خاطر نشان می گردد در تابستان سال ۱۳۵۸ ه.ش که بنای آرامگاه مورد مرمت و تعمیر قرار گرفت با سنگ های تراشیده و سیمان به حفظ همان شکل قبلی روی بنا را با یک دیوار سنگی به ضخامت ۵۰ سانتی متر پوشش داده اند. (مصاحبه با روح اله شیخ قلاوند، ۹۵/۵/۲۵)

لازم بذکر است در مقایسه با بسیاری از مقابر امامزادگان مدفن در ایران در ساختمان و معماری این بقعه هنر چندانی به کار نرفته و علت اصلی هم «... عدم ارتباط کافی با شهرهایی چون اصفهان، کاشان و صعب العبور بودن راه های منطقه و عدم التفات حکام به این مسائل...» است (جلالی عزیزیان، ۱۳۶۲: ۷۲)

این نکته هم حائز اهمیت است که سبک معماری آرامگاه حاجی باریکاب همچون پلان، اتاق ورودی مقبره و گنبدخانه آن مشابه بنای بقعه خلیل اکبر در لرستان است. اما در کنار آرامگاه یک قبرستان قدیمی اسلامی وجود دارد که دارای سنگ قبرهایی به تاریخ دو تا سه سده اخیر است (تصویر ۴) که این موضوع به احتمال نه قدمت قبرستان و امامزاده آن بلکه حکایت از استقرار جمعیت و یکجانشینی در این مکان کوهستانی دارد.

همان طوری که پیشتر اشاره کردیم درباره تاریخ دقیق بنای بقعه، اطلاع چندانی در دست نیست، اما با توجه به ویژگی‌های معماری آن که متأسفانه هنر چندانی در آن به کار نرفته، می‌توان بنای حاجی باریک آب را یک معماری بومی و محلی که خاص نواحی کوهستانی زاگرس و غرب ایران است مرتبط دانست. بنایی که با مصالح بوم آورد از جمله سنگ، گچ و شفته آهک متناسب با محیطی کوهستانی و بسیار مستحکم ساخته شده است. شواهد و گفته‌های اهالی بیانگر آن است که تاریخچه ساخت این بنا مربوط به دوره صفویه است.

مقایسه، شباهت و افتراق بقاع حاجی باریکاب و خلیل اکبر

بقعه خلیل اکبر در روستای خلیل اکبر و در جنوب دهکده قلعه نصیر بخش ملاوی شهرستان پلدختر و در فاصله ۶۰ کیلومتری شهر خرم آباد قرار دارد. نام صاحب قبر و سازنده بانی آن بر چوب درب قدیمی آن به طور برجسته کنده شده است که قطعات آن از یکدیگر جدا شده که متن آن چنین است.

- ۱- بابا خلیل اکبر بن پیر احمد
- ۲- بانی بابا قلندر و بابا ابراهیم
- ۳- عمل بهالدین سمنانی سنعه سبع و تسعماه فی شهر محرم (۹۱۷ ه.ق)
- ۴- در عهد شاه رستم ابن شاه حسین^۱

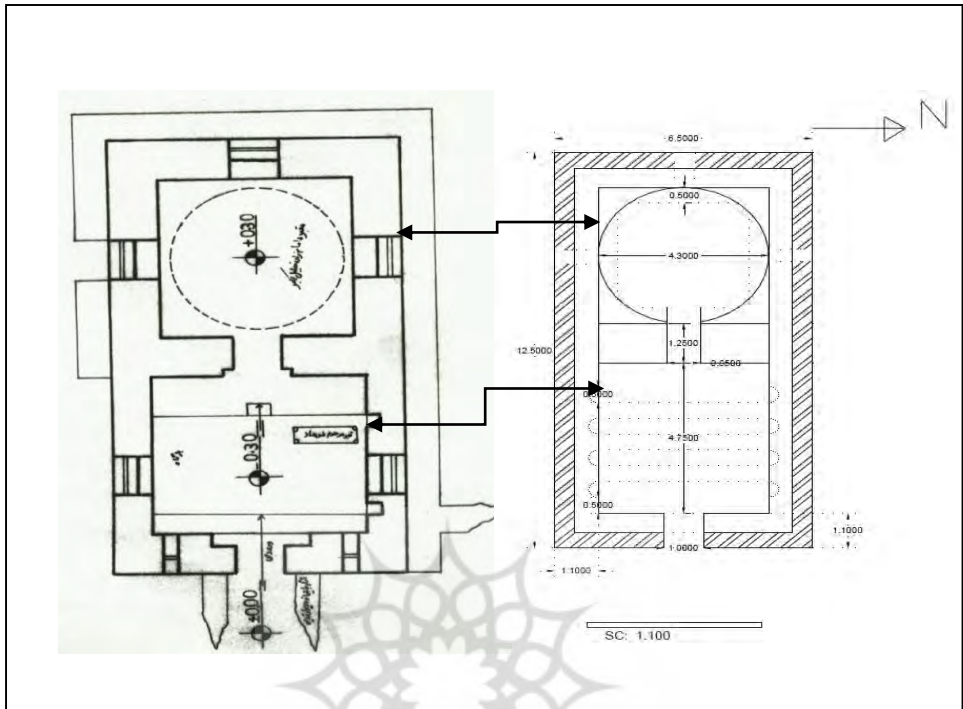
این قطعات هم اکنون در قلعه فلک الافلاک خرم آباد نگهداری می‌شوند. با توجه به این که در لرستان به پیران و مرشدان اهل حق لفظ بابا اطلاق می‌شود در این صورت می‌توان تصور کرد که خلیل اکبر یکی از پیشوایان مذهبی است که او را بابا می‌گفتند. از سوی دیگر به متولیان مقابر نیز بابا می‌گویند. اغلب باباها پس از فوت در صحن مقابر یا رواق‌های آن به خاک سپرده می‌شدند.

- ۱- هر دوی این بقاع نام روستا و آبادی محل را تحت الشعاع نام خود قرار داده‌اند.
- ۲- هر دو بقعه در مناطق کوهستانی و در میان مناطق لرنشین هستند.

۱ - شاه رستم پسر شاه حسین یکی از اتابکان لر کوچک بوده است که در سال ۸۷۳ ه.ق پس از قتل پدر حکومت یافت و به حضور شاه اسماعیل صفوی رسیده و بناورش خسروانه مفتخر شد.

- ۳- پلان و ساختار اين بناها به يك شكل ساخته شده است و ابعاد آن‌ها اختلاف چنداني ندارد.
- ۴- مصالح مورد استفاده هر دو از مصالح بومي، سنگ، خشت؛ ملاط گچ و آهك تشكيل شده است و شالوده اصلي هر دو بنا مستطيل شكل است.
- ۵- بناى هر دو تنها از دو قسمت اتاق ورودى و اتاق مقبره تشكيل شده است و در كل بقعه‌ها از دو اتاق متشكل شده است.
- ۶- قبر متعلق به صاحب بقعه‌ها، در هر دوى آنها در وسط اتاق مقبره وجود دارد و راه دسترسى به گنبد خانه و قبر متوفى تنها از طريق پيش ورودى امكان پذير است.
- ۷- خليل اكبر در مورخ ۱۳۸۰/۹/۵ به شماره ۴۳۶۸ در فهرست آثار ملي ثبت شده است درحالى كه حاجى باريكاب تاكنون ثبت ملي نشده و به تازگى در حال ثبت شدن است.^۱
- ۸- ميراث فرهنگى خرم آباد همچنين اوقاف لرستان اهتمام بيشتري جهت ثبت بقعه خليل اكبر داشته اند در حالى كه تاكنون گزارش قابل توجهى از بقعه حاجى باريكاب ارائه نشده است.
- ۹- خليل اكبر از نظر بدنه و اسكلت بندى ساختمان كهنه تر و آسيب پذيرتر است در حالى كه حاجى باريكاب به واسطه مرمت اهالى از وضع مطلوب ترى برخوردار است.
- ۱۰- از نظر زائر نيز حاجى باريكاب زائران هميشگى دارد در حالى كه خليل اكبر نسبت به مقام حاجى باريكاب كمتر مورد استقبال قرار مى‌گيرد.
- ۱۱- از حاجى باريكاب هيچ گونه اثرى كه تعيين كننده نام و نسب يا شجره نامه آن باشد تاكنون بدست نيامده است و حتى نمى‌توان قدمت تاريخى آن را به صراحت تعيين كرد در حالى كه خليل اكبر از اين لحاظ مشخص و آشكار است.
- با تمام تفاوت‌هاى ظاهرى اما به دليل شباهت در شكل معمارى، حدود و نزديكى جغرافيايى، مصالح مورد استفاده در بنا، كوهستانى بودن مكان و موقعيت بقاع و ... به احتمال قريب به يقين مى‌توان از بسيارى از جاها مانند قدمت و تاريخ ساخت حاجى باريكاب و دوره زمانى آن را با خليل اكبر مطابقت داد يا دست كم به واسطه تشابهات ظاهرى در خصوص قدمت مقام حاجى باريكاب احتمالات نزديك به يقين داد كه متعلق به عصر صفوى يا پيش از آن است.

^۱ پرونده ثبت ملي بقعه حاجى باريكاب توسط امين على پور دانشجوى دكتورى باستان شناسى در حال پيگيرى است. (مصاحبه نگارنده، ۹۶/۶/۲۶)



تصویر ۵) پلان بقعه حاجی باریکاب تصویر ۶) پلان بقعه خلیل اکبر در لریستان

مقایسه و تطبیق پلان آرامگاه حاجی باریکاب با پلان بقعه خلیل اکبر لریستان

نتیجه گیری

پر واضح است ائمه اطهار، فرزندان، نوادگان، اخلاف و صحابه آنان به فکر اشاعه مکتب رسالت و ترویج فرهنگ اهل بیت حتی در دورترین نقاط بوده اند. حاجی باریکاب با هر هویت اعم از امامزاده، شیخ، عارف یا حتی حاجی صالحی که باشد، به خوبی توانسته در کنار سایر امامزاده ها در گرایش مردم منطقه الوار- اندیمشک به مکتب اهل بیت پیامبر(ص) تاثیر بگذارد. همچنین این بقعه متبرکه همچون هر بقعه دیگری در تهذیب اخلاق و گسترش معنویت در میان مردم تاثیر گذار بوده و همین تهذیبی که از منظر مردم منطقه در میان طایفه شیخ ها وجود دارد شاهدی بر این مدعاست. بدون شک مردم جدا افتاده به چنین جاذبه های معنوی نیاز داشته اند بطوری که حتی استثنایی بر وجود یک فرد از اقلیت های دینی غیر مسلمان در این منطقه دیده نمی شود.

از سوى ديگر وجود آرامگاه موجبات گسترش فرهنگ زيارت در اين منطقه شده است به شكلى كه در تمامى فصول سال در بيشتر شهرهاى همجوار زائرانى دارد. لذا از آنجاى كه بناى امامزاده در يك منطقه بكر طبيعى و زيست محيطى قرار دارد علاوه بر جاىگاه معنوى به يك مكان مسافرتى و تفريحي تبديل شده است. بناى اين منطقه الوار گرمسبرى با دارا بودن بقاع متبركه به همراه آب و هواى نسبتا مناسب و وجود چشم انداز هاى طبيعى خيره كننده در بهار و ايام نوروز در ابعاد محلى و منطقه اى از اهميت گردشگرى مذهبي برخوردار است كه انتظار مى رود مسئولين امر در راستاى اهميت، تقويت و شناسايى آن اقدام نمايند. در آخر نيز خاطر نشان مى گردد چنانچه محوطه حاجى باريكباب و سنگ موسوم به گزير كه در نزديكى بقره واقع شده و خوراها سنگ بر روى آن انباشته شده توسط ميراث فرهنگى يا سازمان اوقاف پاك سازى شود و مورد مطالعه باستان شناسى قرار گيرد ممكن است علايمى بر روى سنگ گزير يافت شود كه بسيارى از زواياى تاريخى مربوط به بقره حاجى باريكباب و حتى منطقه را روشن سازد.

فهرست منابع و مآخذ :

- ابن اثير، عزالدین (۱۳۵۱) (الكامل، (تاريخ بزرگ اسلام و ايران)، جلد پانزدهم، ترجمه على هاشمى، تصحيح سيد حسن سادات ناصرى، تهران، كتب ايران.
- افشار سيستانى، ايرج (۱۳۸۵)، خوزستان و تمدن ديرينه آن، جلد دوم، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى، چاپ دوم
- بيت عزيزاله (۱۳۸۳)، كليات جغرافياى طبيعى و تاريخى ايران، تهران، امير كبير، چاپ چهارم
- ايزد پناه، حميد (۱۳۷۶)، آثار باستانى و تاريخى لرستان، جلد دوم، چاپ سوم، انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگى
- پاپى، مراد حسين (۱۳۸۷)، تبار هخامنش ديار بالاگريوه، چاپ اول، خرم آباد، جلد دوم، نشر افلاك
- جلالى عزيزيان، حسن (۱۳۶۳)، دائره المعارف انديمشك، جلد اول، چاپ اول، قم، نشر نمونه
- جعفرىان، رسول (۱۳۸۷)، تاريخ تشيع در ايران از آغاز تا قرن دهم هجرى، تهران، علم
- چريكف (۱۳۵۸)، سياحتنامه مسيو چريكف، ترجمه اباكار مسيحي، تهران، شركت سهامى كتاب هاى جيبى
- رزم آرا، على (۱۳۲۰)، جغرافياى نظامى ايران (قسمت لرستان) تهران، نشر هنر.
- ساكى حسين خانى، داود، (۱۳۸۶) انديمشك شناسى، چاپ اول، قم، نشر بوستان دانش
- سجادى، على (۱۳۹۱)، بررسى تطبيقى بناهاى آرامگاهى دوره ايلخانى و صفوى استان خوزستان با مناطق همجوار (استان هاى لرستان، اصفهان، ايلام، چهارمحال و بختيارى)، پايان نامه دوره دكتورى، دانشگاه تربيت مدرس.

- شریف قرشی، باقر (۱۳۷۲)، حیاة الامام محمدالباقر علیه السلام، قم، مؤسسه تعلیماتی - تحقیقاتی امام صادق علیه السلام
- شورمیچ، محمد « بررسی چند بقعه متبرکه در شهرستان رامسر » فصلنامه فرهنگی، تحقیقی، اجتماعی و تاریخی وقف میراث جاویدان، شماره ۹۰، تابستان ۹۴.
- شیخ قلاوند، روح اله، اندیمشک، مصاحبه مولف با راوی (۲۵ مرداد ۱۳۹۵)
- عرفان منش، جلیل (۱۳۸۶)، چلچراغ شیراز، تحلیلی از قیام احمد بن موسی و برادران امام رضا(ع)، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی
- علی پور، امین (۱۳۹۵) تدوین پرونده های ثبت ملی آثار تاریخی و باستانی اندیمشک، مصاحبه مولف با راوی (۹۶)
- غروی، مهدی (۱۳۷۶)، آرامگاه ها در گستره فرهنگ ایرانی، چاپ اول، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- فقیه محمدی جلالی (۱۳۸۴)، محمد مهدی، انوار پراکنده، در ذکر احوال امامزادگان و بقاع متبرکه ایران به انضمام مشاهیر علم و ادب و عرفان، تهران، نشر مرشد
- کریمان؛ حسین (۱۳۸۶)، قصران (کوهسران)، مباحث تاریخی و جغرافیائی و اجتماعی و مذهبی و وصف آتشفشان منطقه کوهستانی ری باستان و طهران کنونی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران.
- محمود میرزا قاجار (۱۳۹۰)، عهد حسام: سفرنامه لرستان و خوزستان، به کوشش ایرج افشار، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب
- مرعشی، ظهیرالدین (۱۳۶۳)، تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، نرگس مرعشی به اهتمام یوهان آلبرشت برنهارد دورن، نشر گستره، تهران
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۲۵)، بحار الأنوار، دار الاحیاء التراث العربی، دار الکتب الإسلامیة، بیروت
- نیستانی، جواد (۱۳۸۳)، پژوهشی در بناهای آرامگاهی مازندران در قرن ۹ هجری، رساله دوره دکتری باستانشناسی، دانشگاه تربیت مدرس
- هیلن براند، روبرت (۱۳۸۰) معماری اسلامی، ترجمه باقر آیت الله زاده شیرازی، تهران انتشارات روزنه
- والیزاده معجزی، محمدرضا (۱۳۸۰)، تاریخ لرستان؛ روزگار قاجار از تاسیس تا کودتای ۱۳۹۹، تهران، حروفیه
- ولایتی، علی اکبر (۱۳۸۹) تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، نشر گروه معارف